نگاه منتقد

رفتاري كه ازخودمان شروع مي شود

جهاندوم

هرجهمدرنترناتوانتر

دیروز یکی از عزیزان ما کودک ۶ ماههاش را به - الررية في مرارية المرارية المنطقة ا ۲۰ روز در کما بود و درنهایت جان سیپرد. محل زندگی شان تهران یا یک شهر بزرگ نیست. جایی است که به تازگی از روستا به چیزی شبیه شهرک بدل شده است و هنوز بافت زندگی آنجا، بر مبنای فرهنگ سسنتی و روستایی اسست. این خبر که به بســـتگان، حتى آنها كه ساكن تهران و كرج بُودند، رسيد؛ همه سمت ۱۵۵۱ رفتند تا قدری تسملی خاطر باشند اما نکته جالب این است که خود این شهریها بیشتر از صاحبعزا در آه و فغان بودند! نه به آن دلیل که صاحب عــزا، آدم بی خیالی بود؛ نه! اساس نرمافزار رفتاری این تیپ آدمها، طوری ِاچَابِکَ تر تاب می آورند. «بچهای . است که ما را که خدا داده گرفته، مصیبت از این بدتر هم برای فُلانی رخ داده مهُم نیست که_بعد از اون ۳ تا بچه دیگه هم خدا بهشون داد، این که هـ که در این

بسیاری دیگر از موار دمشابه، واگویههای در گوش بود که به صاحب عزا، گفته می شد و شاید همین ها مُلت مهمم أن چالًاكمي در تَاب مصيبت باش مصيبتى مردافكن. تُ ٣ســال پيش هم فرزند ۵ســاله يكى از

دوسُتانم از طبقه هشَّتم آ پارتماُن به پایین سقوطُ کرد و درجا جان سپرد. همسـرش تاب نیاورد و به بلندی همان ساختمان رفت و خود را به همان جا انداخت که پسرش.سطح زندگی شان طبقه متوسط رو به بالا بود اماً در آن ساعت و لحظه کسی نبود که زُ آن واگویُهها برای آن مادر بگُویــد که «خدا دُاده و گرفته، بـــاز هم مي دهـــد، جام بلاو... مادر ســقوطُ و صعود را برای خود رقــم زد. چگونه ایم؟ به روز تر و لدرن ترمى شويم أياضعيف ترونا توان ترمى شوي

سنت چرا می تواند آدمها را در مصیبت یاری دهد؟ چطور تابو تحمل مى دهدو لوازم مدرن ناتُوانند؟ آيا به راستی ماهرچه مدرن ترمی شویم ناتوان تر؟ از فیس بُوٰک مهدی افشار باکمی و یرایش Afshin Amirshahi and Hosein Normazi Bled this Mehdi Afshar Dacamba A Add Friend or 7 at 11:14pm - Edited - @ دیرور یکی از عزیزات ما کودک شیش ماهش را به خاطر آنفولانزا از دس

ند و با دیا تا مهوردیم. ب سه سال بیش یکی از دوستانم فرزند کساله اش از طبقه هشدم آبارتمان

به پایین سفوط کرد و در حاجات سیود، همسرش تاب نیاورد و به بلندک همان ساختمان رفت و خود را به همان جا انداخت که بسرش، سطح زندگتی شان طبقه متوسط رو به بالا بدو اما در آن ساخت و لحظه کستی نبود که از آن واکویه ها برای نما در بگوید. که " خدا داده و گرفته، باز هم میدهد، جام بالا و.....مادر سقوط و به عدر بحوید، یه "حدا داده و خوتیدین هم هندهد،خیم بایه و......غاز سقوط ؤ صعود را برای "خود رفور در خواید امر که برای می موسد بازی در می است بازی دهد؟ ناتوان در میشویم؟ سنت جرا متواند ادم ها را در مصنب بازی دهد؟ جغیر تاب و تحمل میشد، و لوار چه مدرت در میشویم ناتوان تر......؟



آخر هفته با NGOها



ساير آســيبهاى اجتماعى نيز بهنوبه خود ازجمله مسائلی هستند که همواره ذهن مرا به خود مشـغول کردهاند و از اینرو به تحقیــق و پژوهش درخصوص ایسن امور می پردازم و پسس از آن هم به بلســات گوناگون و مراکزی که مخصوص کمک به آسیب دید گان است می روم تا بتوانم به راحتی به چنین کارهایی بپردازم البته بایداین نکته را در نظر داشت که این کارها زمان خاصی نباید داشته باُشند نير خواهانه أماده باشد اماشايد آخر هفته ها به دليل



ر در این رخیم کرد. اوضاع خواهد شد. یکی از همکاران متخصص در این زمینه تعریف می کرد، یکی از مراجعانش که به دلیل اختلاف با همسرش دچار مشکلات زناشویی شده بود، به جای در میان گذاشتنِ این وضوع با همسرش و مراجعه به متخصص، آن را برای همسایه شان بازگو و عجیب تر این که از او درخواست کمک و راهنمایی کرده بود!

والدين و رفتارهاي آنها، الگويي براي فرزندان طلبُد. والدینی که خودشان از پدر و مادری

گر به مجتمعهای قضایی خانواده سر زده بید، حتما دیدهاید که بسیاری از دادگاههای خانواده مملو از زنانی (و در مواردی هم برعکس) است که برای کتک و هتک حرمت همسرشان، مراجعــه کر دهاند. خشــونت در خانــواده گاهی تی بیسرون از خانسوادهٔ دارد. مشلا ُوقتی پدر خانواده توسط رئيس ادارهاش تحقير مىشود و به ُدلایــلُ منطقی توان رویارویــی بارئیساش را ندارد، این خشــم حاصل شــده را به خانواده رسورد، پی سسر است در به موسد منتقل کسرده و بر سسر زن و فرزندانسش تخلیه می کند. گاهی نیسز خشسونت خانوادگی علتی درونی دارد. برای مثال، نداشتن مهارت ارتباطی در خانواده و این که اعضای خانواده نمی توانند به نحو مناسبی با سایر اعضا ارتباط برقرار کنند موجب ایجاد سوء تفاهم، پیشداوری، خُشونت و پرخاشگری به دیگر اعضای خانواده می شود. پرخانستدری به دیـر ناهی مشـخص نبـودن مرزها و قواعــد درون خانواده موجب ابهام در روابطُ ميُشــود كه أيرُ تیز به نوبه خود درنهایت خشــم و پرخاشگری را جایگزین روابط سالم در خانواده میسازد. عدم

نیز باافرادی از دواج می کنند که مشابه خودشان هستند و این تسلسل معیوب همچنان ادامه رضایت زناشویی بین زوجین ٦ از آگاه شدن درباره نیز یکی از عوامل نارضایتی یر یسی ر موس درسیمی از زندگیی و درنهایت دلیلی بسرای ایجساد پرخاشسگری مشكلات خودمان و آموزش رفتارهای صحیح، شروع کنیم است. وقتی زوجین در کنار یکدیگر آرامش داشته باشند، واگر پدر یامادر فرداهس بياموزيم كهرفتار صحيح چگونهاست تابتوانیمفر زندانی ا کوچکترین شکست یا كار آمدوبااعتمادبه نفسو ناكامىي، روابىط شىيرىن و تفكيك خويشتن بالاپرورش آرامش بخش را به سے زمین دهىچ.ىەاس نكتە توجەداشتە جُنگ در خانه بدل نمي كُنند باشيم كەفرزندانمان آنچەكە متاسفانه وقتى خانوادهاى هستیم،می شوندنه آنچه که مامی خواهیم باشند. یعنی آنها بەچىزىكەمىگويىمعمل نمىكنندېلكەبەآنچەكە خودمان|نجاممیدهیمعمل مىكنند

محُسوب مَى شودٌ. وقتى والدينُ مهارُت والدُكْرِي نداشته باشند، نمی توانند فرزندانی کارا و با اعتماد به نفس تربیت کنند. مهارت والدگری یکی از مهارتهای مهمی است که صبر زیادی شــيوه ناصحيحى كه از والدين خود آموختهاند، فرزندان خـود را پرورشُ میدهند و متاسفانه این نقص از نسـلهای قبل به نسـلهای بعدی منتقل می شود. تفکیک خویشتن فرزندان که یکی از امور تربیتی در خانواده است، اغلب در " از دواج خود را نشال می دهد. تفکیک خویشتن بدین معناست که فرزندان در خانواده بتوانند همچنان که در خانسواده و با والدین خود زندگی ى كنند بەلحـاظ ھيجاني اُسـتقلالُ داُشــته

. هُســتنُد. این افرادُ وقتی بُا مشــکلی در ُخانواده مواجه میشوند، به جای تلاش برای حل مشکل به وجود آمده، سعى در فرار كردن از موضوع و . کنار کشیدن خود از خانب ر ــــــــ بره ر حسوده دارند یا برعدس چنان خود را غرق در مشکل می بینند که تمام كارها و وظايف و عملكر دهايشان را تحتالشعاع قرار مىدهد. كه البته هردو ايسن رفتارها (كنار یدن خود از مشکل یا غرق شدن در آن) اشتباه است و هیچکدام به حل مشکل کمکی نمی کند. اما متاسفانه وقتی این افراد با فردی میل مثل خودشان ازدواج و با مانعی بر خورد می کنند و پاســخهای هیجانی یکســانی میدهند که به در حل مشکل، همسرشان را سیرزنش کرده و پرخاشگری می کنند و این طرز برخور د با ر پر مشکل را به فرزندان خود میآموزند و بدین شكل برخى از رفتارهاي غلط را به نسلهاي

بعدی خود نیــز منتقل میکننــد. فرزندان آنه

باشــند. معمولا افــرادي كه تفكيك خو

. پایینــی دارنــد، اشـخاصی را بــرای ازدواج برمیگزینند که در این مورد مشــابه خودشــان

خواهد داشت. یکی از اشکال تربیت معیوب که متاسفانه در خانـــوادههـــا رواج دارد، نحقير كسردن اس فرآیند در زندگی بعدی افراد نیز به چُشم می خورد و موجبات خشم و پرخاشگری را فراهــم میســازد. وقتــی تحقیر کردن در خانواده مبدأ (خانواده اصلی هر فرد) روال عادی ارتباط برقرار کردن باشد، مولفهای درونی شده شکل می گیرد که افراد در خانــواده بعدی خــود نیز ا این سبک برقراری ارتباط با همسر یا فرزندشان استفاده میکنند. تحقیر کردن، یک شــیوه ارتباطی ناموثر است که درنهایت به پرخاشــگری

میانجامسد. بنابرایس بسرای جلوگیسری از هرگونه خشسونت بعدی در خانواده خودمان و فرزندانمان، باید از آموزش خود شــروع کنی رم بعنــی اگر امروز پــدر یا مادر هســـتیم، از آگاه شــدن درباره مشــکلات خودمــان و آموزش رفتارهای صحیح، شروع کنیم و اگر پدر یا بر کری کری کری کرد اعتماد به نفس و تفکیک خویشتن بالا پرورش دهیم. بــه این نکته توجه داشـــته باشـــیم ک فرزندانمان آنچه که هستیم، میشوند نه آنچه نه ما میخواهیم باشند. یعنی آنها به چیزی کے می گوییم عمل نمی کنند بلکے ہو آنچہ که خودمان انجام می دهیم عمل می کنند. نمی توانیم خودمان به شکل نامناسبی رفتار م و از آنها انتظار رفتار خوب و مناس

هر جا که مشکلی می بینیم، باید بدانیم که ر. اولیـن سـهلانگاری از جانـب خودمـان بوده است. اگر والدینمان آموزشندیده بودند، امروز ما می توانیــــــم از این آمـــوزش بهرهمند شـــده و فرزندانمان را نیز از این آگاهی منتفع ســـازیم و بدُین تر تیبُ خانواده سسالم و در نهایت جامعهایُ سالم داشته باشیم.

کلاس فیزیک و گفت و گو درباره خشونت!

گفت: آقاً امــروز از فیزیک و قانونهای نیوتن و... خبری نیست؟!گفتم نه!امروززنگ گفتو گوست.

ادامه دادم، دبير فيزيكي در كُلُاس و با ضُربهُ هاي

معلمان نيــز دانشُ أموزان را كتكرده و آس

را بیازارند؟ احمد سکوت کلاس را شکس

ر ...ر گفت: آقااین رفتارها تنها در مدرسه رخ نمی دهد

و ســــــار گســـتر دوتر اســـت. برای نمونه همین

۔ اسیدپاشی های اصفهان، کودکی آزاری هایی که

على كه بيشــتر وقتهــابا گوشــي آيفونش ور

میرود گفت، مردم اعصاب ندارند! گرفتاری های

اقتصادی تحمل همه را کچ کرده و با کو حکترین

برخورد،درگیری زبانی به وجودمی آیدو در گیری

فیزیکی و شاید در پایان هم چاقو کشی و پویا که در سخوان کلاس است گفت، به نظرم خشونت در

وجود تکتک ما هست. تا انداز های هم به تربیت

خَانُوادگی وابسته است. من در خانه نمی توانم

به آسانی نظرم را بگویم. پدرم عُصبانی می شُود و گاهی هم کوچکتر که بودم، کتک می خوردم.

هُمین رفتار را من درباره برادر کوچکترم دارمٌ، در مدرسه معلمها با دانش آموزان دارند و در خیابان

پلیس با شهروندان و رئیس پلیس بازیر دستانش

و...واین چرخه در خانه و مدرسه و جامعه باز تولید

می شـود. برای آن که گفت و گو به کجراهه نرود

گفتم، درست است که نمی توان رویدادهای

وریشههای آن گسترده تراز مدرسه است، اما

میخواهیم بدانیم که ریشــههای خشــونت در

مدرسه و کلاس کجاست؟ و چگونه می توان از گسترش آن جلوگیری کرد؟ گفت، آقا ببخشید!

شما دارید این حادثه را بزرگ می کنید. تاکنون

چند معلم سبب راهی شدن دانش آموزان به

يمارستان شدهاند؟ من خودم ديدهام كه معلمان

بابرخُورد نادرستشان باعثُ ترك تحصيل برخي

بروجردی؟! به نظرم نباید چنین برداشتی پدید

حسین آقادرست می گویی، معلمان هم خشونت می کنند و من نمی خواهم از کسی دفاع کنم. اما

معلم ودانش أموزهم جزواين جامعه اندو أنهاهم

با سازو کارهای موجود در جامعه تربیت شدهاند.

می پذیرم که هر کس که در روابط اجتماعی دست بالا را دارد، بیشتر خشونت می کند. حمید که در

یشتر ساعتهای درسی چرت می زند و نمرات

پایینی دارد، وسط حرفهایم پرید و گفت، آقا

این حسین هم هر چیزی رو سیاسی می کنه! ببینیدمن اصلاعلاقه وانگیزهای برای درس

خواندن ندارم ســـاز میزنـــم و میخواهم از هنر به جایی برسم اما از سـویی شرایط برای هنر در

ایران فراهم نیست و از دیگرسو به اجبار خانوادهام

به ر شـــته ریاضی آمدهام فقط مدرک می خواهم

كه بتوانـــم به خارج بروم وعلاقـــه أم را پي بگيرم.

خبا حالامن به كلاس آمده ام، نه مي توانم و نه مي خواهم درس بخوانم شما به عنوان دبير و بنا

هُمَّا شـــدهاند چرا چســبيديد به اين ُدبير

اجتماعي رااز يكديگر جدا كردوانواع خشون

گاه صدایش درمی آید، در گیری های خیابانی و... گفتـــم، أحمدجان درســت مى گويى و البته

میشـوداین رویدادهــا را جدااز هر

ِساندهاند. به باور شما چهچیزی س

. که انســـانها گاُهی چنین ســـ

چاقوی دانش آموزش کشته شده است. بارها

۔ نگدلانه یکدیگر



. بهمن که یکی دیگر از بچههای درسخوان كلاس است گفت، ببينيد أقامن أمدهام درس بخوانم سر كلاس هم سرايا گوشم، اما كلاس ـــيارى از بچەھا علاقه به درس ندارند و از هر فرصتی برای فرار از درس و مشق استفاده می کنند، دبیرها هم فشار بیش از حــد می آورند و همــه می خواهند فقط .. و رس آنها را بخوانیم، فضای مدرسه خسته کننده است، نه کتابخانه ای نــه جای نهار خــوردن یا استراحتی، دبیرستان ما برای دلخوشی هم که مسوره سی میبرسد شده یک درخت ندارد! درسها هم آدمرا روانی میکنند.خانواده و فامیل هم انتظار زیادی دارند. اگر شما باشیدُ روانی نمی شوید؟! در این وضع اگر کسسی – معلم و دانش آموز فرقی نمی کند– گیر بیخودی دهد شاید آدم نتواند خودش را کنترل کند و عصبانیت هم یک لحظه است و.. در میانه ســخنان بهمن زنگ خورده بود، امــا بچهها در جایشان نشسته بودند-برخلاف همیشه کهبرای بیرون رفتن از کلاس ســر و دســت میشکنند! محمدعلى كه بيشتر وقتها نقاشي مي كشدو چندان با درس همدلی ندارد گفت، آقا خشونت ن در همه جاهست و گاه گداری در پیشرفته ترین کشــورها هم رخ میُدهد اماً مهمُ تر از ریش خشونت، این است که ما یاد نگرفته ایم که آن را کنترل کنیم.این آموزشها نه در خانه به می شوند نه در مدرسد. پس نمی توان انتظار کاهش خشونت را داشت و معاون پایه چهارم بىآن كەدرېزند تو آمدوباشگفتى گفت دبير زنگ بعد چند دقيقهايست كه منتظر است! چههار متجربی هم منتظر شما ه بی آن که بتوانم به جمعبندی بیسردازم از بچهها داحافظی کردم و رو به آنها گفتم وقت کلاس را گرفتم. استراحت نکرده به کلاس بعدی رفتم و بی آن که خوش وبشـــی بکنم گچ ر برداشته وگفتم بنویسیدقانون سوم نیوتن_زنگ تفريح بعدى در دفتر دبيران نشسته بودم كه چندتا از بچههای چهارم ریاضی صدایم زدند. به آستانه در کهرسیده گفتند، زنگ پیش خیلی خوب بوده وازبابتاین کهمعذرت خواهی کردهاید می گوییم که این گفت و گوها ضروری تر از درس است و ما نیاز داریم که دربارهاین مُوضوعات گفتو گو کنیم. من هم از آنها سپاسگزاری کردم که کنشگرانه در گفتو گوشر کت کرده بودند

چندروز است از خودم می پرسم که هدف آموزش و پسرورش از برگردن فیزیک و ش رر برر بررس ربر برس عیریت و شیمی و عربی وادبیات و ...است؟! آیا درست است که بهترين سال هاى جوانى و سرزندگى بچەھايمان ر سر نمره و معدل و کنکور به باد رود؟ چرا به جــای پرداختن به ریشــههای آس اجتماعی-فرهنگی و آشنا کردن آنها با پایههای زندگی اجتماعی در جهان پیچیده کنونی، همه وقت و انرژی آنها در لابه لای کتابهای درسی و ئمکدرســی به هدر میرود؟ بی گمان ساختار آموزشـــی ما در پرورش شــهروندان شایســته ناتوان اســت و تا هنگامی که بــرای آن برنامهای نداشته باشیم نمی توان امیدی به سامان یافتن رفتارهای اجتماعی- فرهنگی داشت. همچنان ۔ بدعلـــی گفت، مُا آموزشهای در س برای کنتـرل خشـم و احساسـاتمان دریافت . نگردهایم. برای فراگیری مهارتهای اجتم شهروندی، آیا جایی بهتر از مدرسه و زمانی بهتر از زنگ گفت و گوسراغ دارید؟ تا کی باید در گردابه فرو رونده نمره و معدل و کنکور بچرخیم وافزون بر اَزارُ دانش آموزان و معلمان، چُرخهُ خَشُونتُ در جامعه راباز توليد كنيم؟!





شتر آخر هفتهها و بنحشينيهها رابه تماشاي فیلم می گذرانم. نه آن که به سینما بروم بلکه بیشتر مینم سی صرحه به تماشای فیلمهایی با محتوای اجتماعی در منزل میپردازم واین کار را دوست دارم چراکه فیلم دیدن، به خصوص فیلمهایی با محتوای اجتماعی، می تواند بســیار به نوع نگاه به این مســائل کمک کــرده و از . سسویی دریچههای تازه تری از این مسائل را به روی ما بگشساید. اما یکی دیگر از کارهایی که می توان در زمان بيكاري هاي آخر هفته انجَــام داد واز آن لذتُ د، انجام فعالیت های خیر خواهانیه و کمک به NGOهایی است که بعضا با آنها همکاری داریم من نیز در این زمان به کمک به موسسه «احسان» . صوص ســـالمندان اســت، می پردازم چرا که

. ز طرفیبه جز زنان سرپرست خانوار و کودکان کار،

و همواره انسانُ بایدُ برآی کمک و انجام کارهای آرامشُ وزمان آزادی که وجود دارد، مناسب ترباش

